**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه287– 31 /06/ 1399 عده‌ی حامل /مساله‌ی پانزدهم تکمله‌ی عروه** **/ اقوال فقها در عده**

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در این بود که آیا جعفر بن سماعه صحیح می باشد یا جعفر بن محمد بن سماعه؟ به عبارت دیگر آیا این شخص برادر حسن بن محمد بن سماعه می باشد یا عموی اوست؟ به تعبیر دیگر مراد از جعفر بن سماعه ای که در اسناد زیادی، حسن بن محمد بن سماعه از او روایت می کند، کیست؟

# کلام مرحوم آقای خویی در وثاقت جعفر بن سماعه

مرحوم آقای خویی جعفر بن سماعه را همان جعفر بن محمد بن سماعه می داند و معتقد است که نسبت به جد رخ داده است.

در ترجمه‌ی معلی بن موسی الکندی در رجال نجاشی، چنین آمده است:

«هو جد الحسن بن محمد بن سماعة، و إبراهيم أخوه»[[1]](#footnote-1)

بعضی طبق این بیان نجاشی گفته اند که جعفر، برادر حسن بن محمد بن سماعه و ابراهیم نمی باشد.

مرحوم آقای خویی می فرماید: معلی بن موسی الکندی ظاهرا جد مستقیم حسن بن محمد بن سماعه می باشد و از آن جا که جد پدری حسن بن محمد بن سماعه، سماعه می باشد، بنابراین معلی بن موسی جد مادری او خواهد بود، مخصوصا این که در سلسله سند حسن بن محمد بن سماعه، معلی وجود ندارد.

در نتیجه اگر نخواهیم ملتزم به اشتباه شویم، باید معلی بن موسی را جد امی بدانیم.

ظهور جد در جد پدری می باشد؛ اما وقتی شخصی را به عنوان جد فلان بن فلان بن فلان، با مشخصه ذکر می کنند، همین ذکر جد پدری، قرینه بر این است که مراد از جد، جد امی می باشد.

مرحوم تستری در عبارت «هو جد الحسن بن محمد بن سماعة، و إبراهيم أخوه»[[2]](#footnote-2) جد پدری بودن را مسلم گرفته است و سپس می فرماید: عبارت رجال نجاشی از نظر لفظ و معنا اشکال دارد. از نظر لفظی اخوه باید اخیه می بود و از نظر معنا به این جهت که جد او سماعه می باشد.

ظاهرا کلام مرحوم آقای خویی که معلی را جد امی دانسته است و جد امیِ حسن و ابراهیم بودن، با جد امیِ جعفر بودن ملازمه ای ندارد.

گفتیم احتمالا محمد بن سماعه همسری داشته است و از این همسر، جعفر متولد شده است و سپس این همسر از دنیا رفته یا طلاق داده شده و جعفر نزد سماعه بزرگ شده است و محمد بن سماعه با زن دیگری که مادر حسن بن محمد بن سماعه می باشد، ازدواج کرده است.

به نظر می رسد اختلاف سنی بین جعفر و حسن زیاد بوده است.

در ذیل روایتی در تهذیب جعفر خطاب به حسن، یا بنیّ گفته است:

عَنْهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ قَالَ حَدَّثَنِي غَيْرُ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ أَنَّهُ‏ سَأَلَ أَبَا الْحَسَنِ ع عَنِ الْمُطَلَّقَةِ عَلَى غَيْرِ السُّنَّةِ أَ يَتَزَوَّجُهَا الرَّجُلُ فَقَالَ أَلْزِمُوهُمْ مِنْ ذَلِكَ مَا أَلْزَمُوهُ أَنْفُسَهُمْ وَ تَزَوَّجُوهُنَّ فَلَا بَأْسَ بِذَلِكَ قَالَ الْحَسَنُ وَ سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ سَمَاعَةَ وَ سُئِلَ عَنِ امْرَأَةٍ طُلِّقَتْ عَلَى غَيْرِ السُّنَّةِ أَ لِيَ أَنْ أَتَزَوَّجَهَا فَقَالَ نَعَمْ فَقُلْتُ لَهُ أَ لَيْسَ تَعْلَمُ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ حَنْظَلَةَ رَوَى إِيَّاكُمْ وَ الْمُطَلَّقَاتِ ثَلَاثاً عَلَى غَيْرِ السُّنَّةِ فَإِنَّهُنَّ ذَوَاتُ أَزْوَاجٍ فَقَالَ يَا بُنَيَّ رِوَايَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ أَوْسَعُ عَلَى النَّاسِ قُلْتُ وَ أَيَّ شَيْ‏ءٍ رَوَى عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ‏ رَوَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع أَنَّهُ قَالَ أَلْزِمُوهُمْ مِنْ ذَلِكَ مَا أَلْزَمُوهُ أَنْفُسَهُمْ وَ تَزَوَّجُوهُنَّ فَإِنَّهُ لَا بَأْسَ بِذَلِك‏[[3]](#footnote-3)

تعبیر یا بنیّ بیان گر اختلاف سنی این دو می باشد.

با توجه به مجموع این جهات، وجهی ندارد کلام نجاشی را که جعفر بن محمد بن سماعه را به عنوان برادر حسن بن محمد بن سماعه ذکر کرده است، تخطئه کنیم؛ بلکه می توان آن را پذیرفت و تمام مواردی را که در اسناد، جعفر بن سماعه وارد شده است، نسبت به جد دانست.

شخصی را که نجاشی واقفی ثقه و صاحب کتاب دانسته است، همان شخصی است که در روایات نامش آمده است ( جعفر بن سماعه)؛ یعنی حتی اگر نجاشی به اشتباه جعفر بن محمد بن سماعه را برادر حسن بن محمد بن سماعه دانسته باشد، موجب نمی شود توثیق نجاشی را نسبت به صاحب کتاب نادیده بگیریم. یعنی ورای این بحث که این شخص، جعفر بن سماعه می باشد یا جعفر بن محمد بن سماعه می باشد، می توان صاحب کتاب را که در اسناد با عنوان جعفر بن سماعه ذکر شده است، توثیق کرد.

مرحوم آقای خویی می فرماید: جعفر بن سماعه ای که در رجال شیخ ذکر شده است، جعفر بن محمد بن سماعه می باشد؛ زیرا خیلی مستبعد است که مرحوم شیخ، جعفر بن محمد بن سماعه را که شخص معروفی است ذکر نکند و جعفر بن محمدی که شخص گمنامی است، ذکر کند.

این بیان تام نمی باشد، زیرا مرحوم شیخ در رجال، اصحاب الائمه را ذکر کرده است. شخصی با نام «جعفر بن سماعه» از امام صادق علیه السلام روایت داشته است؛ همچنین شخصی با نام «جعفر بن سماعه» از امام کاظم علیه السلام روایت داشته است. مرحوم شیخ طوسی در رجالش به معروفین و غیر معروفین کاری ندارد؛ بلکه به راویان از ائمه کار دارد. ممکن است جعفر بن محمد بن سماعه با وجود معروف بودن از ائمه علیهم السلام روایت نقل نکرده باشد؛ به همین دلیل نامش در رجال شیخ نیامده باشد.

بله ممکن است کسی مستبعد بداند که دو نفر با نام جعفر بن سماعه، هر دو واقفی باشند و از جعفر بن سماعه‌ی دیگر در هیچ جا نشانه ای وجود نداشته باشد و همین قرینه بر این باشد که فقط یک نفر بوده است که به او جعفر بن محمد اطلاق می شده است.

بیان مرحوم آقای خویی این است که حتی اگر دو نفر با نام جعفر بن سماعه داشته باشیم که یک نفر نسبت به جد باشد و دیگری نسبت به پدر باشد، با این حال جعفر بن سماعه ای که در اسناد و رجال شیخ وارد شده است، جعفر بن محمد بن سماعه می باشد. پذیرش این کلام مشکل است.

ما نسبت به جعفر بن سماعه ای که در اصحاب الصادق علیه السلام می باشد، اظهار نظر نکردیم و هر آن چه بیان کردیم نسبت به جعفر بن سماعه ای است که در اصحاب الکاظم و واقفی ذکر شده است که به احتمال زیاد جعفر بن محمد بن سماعه می باشد.

البته احتمال دارد جعفر بن سماعه ای که از اصحاب الصادق علیه السلام می باشد، همین جعفر بن سماعه ای باشد که از اصحاب الکاظم علیه السلام است و ممکن است روایتش از امام صادق علیه السلام روایت مرسلی بوده باشد؛ به همین دلیل در اصحاب الصادق علیه السلام ذکر شده است.

در هر صورت یک امر غیر متعارفی رخ داده است؛ یا شخص دیگری با نام جعفر بن سماعه در اصحاب الصادق علیه السلام بوده است که او را نمی شناسیم؛ یا همین جعفر بن محمد بن سماعه می باشد که روایتش از امام صادق علیه السلام قابل اثبات نبوده است.

در هر صورت جعفر بن سماعه ای که واقفی است، یک نفر می باشد و همان جعفر بن محمد بن سماعه است و بعید است دو نفر جعفر بن سماعه‌ی واقفی در یک عصر و یک طبقه‌ی واحد باشند.

# کلام مرحوم وحید بهبهانی در توثیق جعفر بن سماعه

مرحوم وحید بهبهانی از راه دیگری جعفر بن سماعه را توثیق کرده است:

و في الأخبار: عن الحسن بن محمّد بن سماعة، عن صفوان، عن جعفر بن سماعة، فتأمّل. و يشير هذا إلى وثاقته كما مرّ في الفوائد[[4]](#footnote-4)

این بیان اشاره به این مطلب است که مشایخ ابن ابی عمیر، صفوان و بزنطی ثقه می باشند. شاید فتامل اشاره به این مطلب باشد که وثاقت مشایخ ابن ابی عمیر، صفوان و بزنطی در صورتی است که سند تا این سه نفر صحیح باشد. در این سند حسن بن محمد بن سماعه واقع شده است که واقفی می باشد و در نتیجه سند تا حسن بن محمد بن سماعه صحیح نمی باشد.

ممکن است در پاسخ گفته شود که لازم نیست صحیح به اصطلاح متاخرین باشد؛ بلکه همین که سلسله سند تا صفوان را ثقات تشکیل داده باشند، کافی است و حسن بن محمد بن سماعه گر چه واقفی است؛ اما ثقه می باشد.

سند این روایت به طور کامل بدین صورت است:

عَلِيُّ بْنُ حَاتِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنِ الْعِيصِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّه‏[[5]](#footnote-5)

«محمد بن احمد»ی که علی بن حاتم از او نقل می کند، محمد بن احمد بن ثابت می باشد و وثاقت یا عدم وثاقتش، بحث بسیار مفصلی دارد.[[6]](#footnote-6)

محمد بن احمد بن ثابت، ظاهرا همان ابی عبدالله بن ثابتی است که از مشایخ مرحوم ابوغالب زراری است. ابو غالب زراری شرح حال مشایخش را ذکر می کند و بیان می کند که حمید بن زیاد و ... واقفی بودند اما جزء ثقات بودند.

در نتیجه سلسله‌ی سند تا صفوان از جهت وثاقت روات، اشکالی ندارد و می توان شیخ صفوان را توثیق کرد.

اما به نظر می رسد این روش برای اثبات وثاقت جعفر بن سماعه تمام نیست.

در مشایخ ابن ابی عمیر، صفوان و بزنطی، شیخ طوسی بر امامی صدوق بودن آن ها شهادت داده است. یعنی مشایخ صفوان، امامی صدوق هستند. جعفر بن سماعه که در این روایت شیخِ صفوان می باشد، واقفی می باشد و مشمول شهادت شیخ طوسی نمی باشد.

آیت الله والد مواردی را که ابن ابی عمیر، صفوان و بزنطی از غیر امامیه نقل کرده اند، به عنوان نقض قاعده‌ی وثاقت مشایخِ ابن ابی عمیر، صفوان و بزنطی ذکر کرده اند و در مقام بحث بر آمده اند و فرموده اند که چطور می توانیم این قاعده را بپذیریم در حالی که این ها از غیر امامی نیز روایت می کرده اند.

یکی از پاسخ هایی که بعضی داده اند این است که بنای این سه نفر این بوده است که از ثقه نقل کنند و اگر موارد محدود و اندکی از آن بنا تخطی شده باشد، به اعتبار آن شهادت لطمه ای وارد نمی کند.[[7]](#footnote-7)

ممکن است گفته شود، که صفوان این روایت را قبل از وقف جعفر بن سماعه از او نقل کرده است، این نکته می تواند پاسخ به نقض قاعده باشد؛ اما در اثبات وثاقت جعفر بن سماعه فایده ای ندارد.

شهادت شیخ طوسی، شهادت مطلقه می باشد؛ یعنی شهادت به ثقه‌ی امامی بودن است و انحلالی نمی باشد که دو شهادت داده باشد، یک شهادت به امامی بودن و شهادت دیگر به ثقه بودن مشایخ صفوان، بزنطی و ابن ابی عمیر.

اشکال دیگر این است که این سند ظاهرا محرّف می باشد.

عَلِيُّ بْنُ حَاتِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنِ الْعِيصِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّه‏[[8]](#footnote-8)

اولا صفوان بن یحیی از جعفر بن سماعه هیچ روایتی ندارد. دوم این که حسن بن محمد بن سماعه همیشه بی واسطه و مستقیم از جعفر بن سماعه نقل می کند. سوم این که صفوان بن یحیی راوی عیص می باشد و کتاب او را نقل کرده است. اکثر روایات عیص بن قاسم توسط صفوان نقل شده است. فاصله‌ی جعفر بن سماعه بین صفوان و عیص با توجه به این که صفوان هیچ روایتی از جعفر بن سماعه ندارد، خیلی بعید است. همچنین فاصله شدن صفوان بین حسن بن محمد بن سماعه و جعفر بن سماعه بسیار مستبعد است.

نحوه‌ی تحریف این روایت را در جلسه‌ی بعد بحث خواهیم کرد، ان شاءالله.

1. [رجال النجاشی، شیخ النجاشی، ج1، ص417.](http://lib.eshia.ir/14028/1/417/سماعة) [↑](#footnote-ref-1)
2. [رجال النجاشی، شیخ النجاشی، ج1، ص417.](http://lib.eshia.ir/14028/1/417/سماعة) [↑](#footnote-ref-2)
3. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج8، ص58.](http://lib.eshia.ir/10083/8/58/بنی) [↑](#footnote-ref-3)
4. منتهى المقال في أحوال الرجال، ج‌2، ص 247‌ [↑](#footnote-ref-4)
5. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج3، ص85.](http://lib.eshia.ir/10083/3/85/حاتم) [↑](#footnote-ref-5)
6. استاد حفظه الله رساله ای در این زمینه دارند. [↑](#footnote-ref-6)
7. در مقام بررسی درستی یا نادرستی این استدلال نیستیم. [↑](#footnote-ref-7)
8. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج3، ص85.](http://lib.eshia.ir/10083/3/85/حاتم) [↑](#footnote-ref-8)